

درباره خدمات بانو کوکب پوررنجبر، نخستین معلم قرآن و پایه‌گذار آموزش نوین قرآنی به کودکان در ارض اقدس

کوکبی در آسمان آموزش مشهد

مرضیه‌ترابی برای قدیمی‌های مشهد، نام «کوکب پوررنجبر» پیوستگی خاصی با آموزش نوین قرآن‌کریم داشت، بانویی که عشقش به تدریس کلام وحی و مسائل شرعی، زیانزد خاص و عام بود و علاوه بر این‌ها، آثار مکتوبی از خود به جا گذاشت که در آموزش و پرورش ایران، تأثیری درخور و انکارناپذیری داشت؛ باین‌حال ، در روزگار ما، شاید کمتر کسی بداند که این بانوی پرتلاش، این مترجم کتاب مفاتیح‌الجنان و این مؤلف مجموعه مشهور «خودآموز و روش تدریس قرآن مجید»، بنیان‌گذار یکی از نخستین مدارس دخترانه در مشهد باشد. بسیاری از ما در مرور تاریخ مدارس نوین دخترانه در شهرستان، چشم به شخصیتی مانند «فروغ آذرخش» داریم که بحق در میانه این میدان، تلاشگری کم‌نظیر و نخستین بنیان‌گذار مدارس دخترانه در مشهد بود، اما بانو کوکب پوررنجبر، بعد از مرحوم آذرخش، دومین کسی بود که با به میدان گذاشت و درحالی‌که فقط هجده سال از عمرش می‌گذشت، بنیان‌گذار مدارس دخترانه در مشهد شد. این گزارش، افزون بر شرح بخشی از تاریخ آموزش و پرورش نوین در مشهد، عرض‌ارادتی به ساحت این بانوی تلاشگر است که بعد از غم‌ری کوشش در مسیر گسترش فرهنگ و معارف اسلامی، در سال ۱۳۷۰ خورشیدی دیده از جهان فروبست. برخی از فرازهای این گزارش، برای نخستین بار است که منتشر می‌شود.

کوکب خانم و شیوه‌نامه جدید آموزش قرآن

کوکب خانم در سال ۱۲۸۲ خورشیدی، سه‌سال پیش از پیروزی نهضت مشروطیت، در شیراز متولد شد؛ خانواده‌ای مذهبی و در عین حال نواندیش داشت، آن‌گونه که اجازه دادند دخترشان در مدارس نوین تحصیل کند و تحصیلات خود را تا پایان سیکل اول (کلاس نهم قدیم) ادامه دهد. بانو رنجبر بعدها و در بوحوه قحطی بزرگ، همراه با خانواده‌اش –که از نظر مالی متمول بودند– به مشهد کوچ کرد و در کوچه «حوض نو» ساکن شد. علاقه خاصی به تدریس، به‌ویژه تدریس علوم دینی داشت و به‌همین دلیل، از همان ابتدا در منزل کلاس‌های قرآن و شرعیات برای بانوان و دختران برگزار می‌کرد. او سبک آموزش قدیم را نمی‌پسندید و به قول خود، «بیداد مکتب‌خانه‌ها را برنمی‌تابید. در آن زمان آموزش بر بستر خشونت مطلق جریان داشت و معلمان مکتب‌خانه معتقد بودند که جز با خشونت و بداخلاقی نمی‌توان کودکان بازیگوش و سربه‌هوار مهار کرد. بانو پوررنجبر چنین شیوه‌ای را–به‌ویژه در آموزش قرآن و شرعیات– برای دختران نامطلوب و بلکه مضر می‌دانست و معتقد بود که چنین روشی، اسباب انزجار اطفال از محیط آموزشی می‌شود.

به‌همین دلیل هم بود که تصمیم گرفت شیوه‌ای تازه را برای آموزش علوم دینی و به‌ویژه قرآن بنیان‌گذاری کند.
اواخر دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، کوکب پوررنجبر، بانوی متدین و نواندیشی که حالا مشهدی به حساب می‌آمد و تازه بهار عمرش به‌عهده هفده رسیده‌بود، در یک ظهر پاییزی، بالاخره به طرح موردنظرش رسید. او درباره چگونگی این اتفاق، خاطره‌ای شیرین نقل کرده است: «یک روز با خانم مرصعی قرار گذاشتم برای رفتن به منزلش… وقتی رسیدم، پرسید: فلانی ناهار چه بخوری؟ گفتم: یک نان و پنیر و خربزه کفایت است. دفتر و قلم برداشتم و نشستم گوشه اتاق و مشغول شدم به تفکر برای تغییر راه یادگیری الفبای قرآنی. اوج بیداد مکتب‌خانه‌ها بود و عمر کودکان در فراگیری واژه‌های سخت هدر می‌رفت. یک آموزش اولیه گاه تا سه سال طول می‌کشید و باعث دل‌زدگی از یاد گرفتن می‌شد. حدود غروب بود که دیدم چیزی شبیه پنجم و کرک در دهانم قرار دارد و آن را می‌جوم. با تعجب آن را بیرون آوردم و به مرصعی خیره شدم. او هم با عصبانیت به من نگاه می‌کرد و وقتی سؤال کردم که این چیست توی دهانم، پاسخ داد: از صبح گوشه اتاق نشسته‌ای به فکر کردن. وقت ناهار یک عدد نان سنگک را یواش یواش لقمه‌گرفتم و با قاچ خربزه در دهانت گذاشتم تا تمام شد و تو نفهمیدی. از روی حرص همان‌طور که نشسته بودم، دستم را کردم توی تشک و به زور قدری پنجم و کرک بیرون کشیدم و داخل دهانت گذاشتم. از ظهر تا به حال هم داری آن را می‌جوی و به‌رو نمی‌آوری» (عاطفه میرافضل، کوکب درخشان، مجله زن‌روز، اسفندماه ۱۳۹۰).
به‌این‌ترتیب، نخستین شیوه‌نامه نوین تدریس قرآن در تاریخ ایران شکل گرفت. این دوره مصداق با حضور کلنل محمدتقی‌خان پیش‌یان در مشهد و حمایت وی از ایجاد مدارس نوین در این شهر بود.

فولد «کوکبیه»

بانو پوررنجبر با تکمیل شیوه‌نامه خود، تصمیم به ایجاد یک دبستان باسبک جدید، برای آموزش دختران خردسال گرفت. اودر سال ۱۳۰۰ خورشیدی، تقاضانامه‌ای به اداره فرهنگ فرستاد و خواست که اجازه دهند مدرسه دخترانه‌ای ایجاد کند. این سومین مدرسه دخترانه در مشهد محسوب می‌شد و پیش‌از آن، روان شاد فروغ آذرخش دو مدرسه دخترانه به نام‌های «دبستان فروغ» (تأسیس ۱۲۹۴ خورشیدی) و «دبستان بانوان» (تأسیس ۱۲۹۸ خورشیدی) تأسیس کرده بود. مدرسه جدید، به‌نام مؤسسه «کوکبیه» نامیده شد.
محوریت آموزش در این مدرسه، فراگیری قرآن و شرعیات با الگوی نوین بود؛ ابتکاری که تا پیش‌از آن در مدارس دخترانه ایران سابقه نداشت. محل ساختمان این مدرسه، خانه‌ای کوچک و نسبتاً متواضع در «بایین خیابان» بود. در این مدرسه، علاوه بر قرآن و شرعیات، علوم نوین هم در تراز موردنظر وزارت فرهنگ آن زمان تدریس می‌شد. در آن دوره به چنین مدرسه‌ای که بانی و مدیریت خصوصی داشت، «مدارس ملی» می‌گفتند. کوکب پوررنجبر تا مهرماه سال ۱۳۲۶ خورشیدی که رسماً به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش اموزی) درآمد و مدرسه او نیز به مدرسه دولتی تبدیل شد، دبستان کوکبیه را به‌تنهایی و با تکیه بر حمایت اطرافیان، دوستان و علاقه‌مندان به چنین اقداماتی، اداره کرد و در کنار مدیریت، به تدریس هم مشغول بود. بعدها فرزند وی (فاطمه پوررنجبر) نیز، به کسوت آموزگاری درآمد و به تدریس در مدرسه کوکبیه مشغول شد. طبق گزارش‌های موجود که برای نخستین بار در این نوشتار منتشر می‌شود، دبستان کوکبیه بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ خورشیدی، یعنی طی چهل سال فعالیت، حضور هفت مدیر را تجربه کرد. کوکب پوررنجبر بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۷ خورشیدی (به‌مدت ۲۷ سال)، فاطمه پوررنجبر در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ خورشیدی و پس از او به‌ترتیب خانم‌ها «حشمت قصبی»، «زهرابینگ حجت»، «طاهره شیخ» و «صغری رضوان» و «فاطمه بیگ‌زاده» این مسئولیت را عهده‌دار بودند. در همه این مدت، کوکب پوررنجبر تدریس را کنار گذاشت و همچنان به تدریس قرآن و شرعیات به دختران مشهدی مشغول بود.

گزارشی تازه‌یاب از مدرسه «کوکبیه»

در سال ۱۳۴۰ خورشیدی «پرواند خت شکوه‌صارمی»، دانشجوی سال آخر دوره کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیای دانشکده ادبیات مشهد (که بعدها معلم دانش‌سرای مقدماتی دختران در خیابان سناباد شد و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ خورشیدی مدیر این مرکز بود)، موضوعی را برای پایان‌نامه خود برگزید که باعث شکل‌گرفتن یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ مدارس دخترانه در مشهد شد: منبع مهمی که شاید تاکنون موردتوجه پژوهشگران قرار نگرفته و نگارنده به‌طور اتفاقی به آن دست یافته است. در این منبع بسیارمهم، گزارشی مبسوط درباره تاریخ مدارس دخترانه مشهد و از جمله دبستان کوکبیه وجود دارد. گزارش صارمی درباره این مدرسه نشان می‌دهد که دبستان کوکبیه، بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ خورشیدی کلاس‌های چندان منظم و دانش‌آموزان متعددی نداشت. درواقع هنوز زمان لازم بود که خانواده‌ها برای آموزش شرعیات به فرزندانشان، به‌الگوهای نوسال اعتماد پیداکنند. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ خورشیدی، کوکب پوررنجبر توانست چهار کلاس در مدرسه ایجاد کند که نسبتاً امیدوارکننده بود. تا سال ۱۳۱۲ خورشیدی تعداد کلاس‌ها به عدد پنج رسید و این تعداد، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی تبدیل به شش شد. به‌این‌ترتیب، شکل‌گیری دوره ابتدایی کامل در دبستان کوکبیه، حدود چهارده سال طول کشید.

بانو پوررنجبر در همان سال‌های نخستین، کتابخانه مدارس دخترانه مشهد را با ۴۵ جلد کتاب در مدرسه کوکبیه راه‌اندازی کرد. او طبق شیوه‌نامه خودش، برای فعالیت‌های فوق‌برنامه ارزش‌زیادی قائل بود و شاید برای نخستین بار در تاریخ مدارس دخترانه مشهد، به برگزاری مسابقاتی در این زمینه دست زد؛ مسابقاتی با محوریت کارهای دسنی دانش‌آموزان دختر که جوایز ویژه‌ای هم داشت. بانو پوررنجبر افزون بر این‌ها، به موضوع تفریح در مدارس دخترانه هم اهتمام داشت و از همان سال‌های ابتدایی فعالیت و با وجود محدودیت‌های مکانی و مالی فراوان، تعدادی وسیله بازی و سرگرمی مانند تاب، الاکتگ و… خریداری و در مدرسه نصب کرد. جالب است بدانید که در سیل عظیم سال ۱۳۲۹ خورشیدی، مدرسه کوکبیه هم آسیب دید و تعدادی از پرونده‌های موجود در آن از بین رفت. روان شاد کوکب پوررنجبر در مدرسه خود «انجمن دینی» ایجاد کرده بود که احتمالاً نخستین نمونه از چنین انجمن‌هایی در مدارس دخترانه ایران است.

از «بایین خیابان» تا «خیابان تهران»

مکان دبستانی که کوکب پوررنجبر تأسیس کرد، چنان‌که گفتیم، ابتدا در محله بایین خیابان قرار داشت؛ محله‌ای محروم و البته با علاقه‌های مذهبی بیشتر. با افزایش تعداد دانش‌آموزان، اولیای مدرسه مجبور شدند به فکر جای دیگری باشند و در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ خورشیدی، مکانی در حدود میدان دقیقی (فلکه آب) برای این منظور اجاره شد و مدرسه تا سال ۱۳۴۰ خورشیدی در این مکان قرار داشت؛ باین‌حال، وضعیت ساختمان و فرسودگی آن، باز هم باعث جابه‌جایی مدرسه کوکبیه شد و این دبستان دخترانه ریشه‌دار، نهایتاً در سال ۱۳۴۰ خورشیدی به مکانی در خیابان عنصری، واقع در خیابان تهران (امام‌رضا^{علیه‌السلام} فعلی)، جنب دبستان عنصری انتقال یافت؛ خانه‌ای بزرگ که صاحب آن فردی به نام «اقبال گاززاده» بود و ماهانه مبلغ ۷ هزار و ۵۰۰ ریال بابت اجاره ساختمان مدرسه به وی پرداخت می‌شد؛ خانه‌ای که البته در ابتدای دهه ۱۳۴۰، فاقد لوله‌کشی آب و همین‌طور تلفن بود. درباره فرجام دبستان کوکبیه، فعلاً اطلاعاتی در اختیار نداریم. روان شاد کوکب پوررنجبر که در عمر بابرکتش به عنوان معلم برجسته قرآن در شهر مشهد شناخته می‌شد، سرانجام ۱۲ اسفند سال ۱۳۷۰، در ۸۶‌سالگی دار فانی را وداع گفت. امروزه دبستانی در ناحیه ۲ آموزش و پرورش مشهد، به یاد وی، مدرسه «کوکب رنجبر» نام‌گذاری شده است.



آیا کلنل پسیان متهمرد بود؟

گذری بر مراسم صدوسومین سالگرد شهادت

کلنل محمدتقی‌خان پسیان و رونمایی از کتاب جدیدی درباره او



شیرین سیدی | عصر پنجشنبه، ۱۹ مهرماه، یکصد و سومین سالگرد شهادت کلنل محمدتقی‌خان پسیان در باغ نادری با همکاری مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهری شهرداری مشهد و مجموعه تاریخی و فرهنگی نادری، اداره‌کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی و حضور جمعی از مسئولان و تاریخ‌پژوهان و علاقه‌مندان به هویت شهر مشهد برگزار شد.

در این نشست همچنین کتاب «از تبریز تا برلین؛ از برلین تا مشهد»، تألیف دکتر یوسف متولی حقیقی، رونمایی شد. به همین مناسبت، این پژوهشگر تاریخ مشهد به پاسخ برخی از ابهامات درخصوص ماه‌های پایانی زندگی کلنل پسیان پرداخت. دکتر متولی حقیقی گفت: «محمدتقی‌خان پسیان تنها سیزده ماه از عمر سی‌ساله خود را در خراسان بود. این دوره زمانی کوتاه‌اما با خدماتی بزرگ و فراوان در خراسان و مشهد همراه است. او شهریور ۱۲۹۹ در سمت فرمانده ژاندارمری خراسان به شرق کشور آمد و تنها شش ماه در این سمت بود اما توانست در آن سال‌های پرآشوب و ناآینم آغازین سال‌های مشروطه، آرامش را تا حد زیادی به خراسان بازگرداند و بزرگ‌ترین نیروی نظامی ایران با ۴ هزار نظامی را در این بخش کشور ایجاد کند.»

- کلنل و حضور یک‌ساله در مشهد

دکتر متولی حقیقی همچنین ضمن اشاره به اینکه در این دوره شش ماهه اول، اشاره‌ای هم به روابط کلنل پسیان و احمدقوام‌السلطنه، والی خراسان، کرده است، یادآور شد که ابتدا روابط این دو حسنه بود اما این دوران دوستی به درازا نکشید و با وقوع کودتای ۱۲۹۹ اسفند ۱۲۹۹ این رابطه به تاریکی گرایید؛ «با وقوع این کودتا و تشکیل کابینه سید ضیاء‌الدین طباطبایی، کلنل به حکم او مأمور دستگیری قوام شد. سیدضیاء همچنین در حکمی علاوه بر فرمانده ژاندارمری خراسان، کفالت استناداری را نیز به محمدتقی‌خان پسیان داد. در این دوره نیز اصلاحات گسترده اجتماعی، عمرانی، اقتصادی و… توسط کلنل در خراسان و مشهد روی داد که شرح آن مفصل است.»

این پژوهشگر تاریخ‌امباحث‌انگیزترین دوره حضور کلنل در مشهد را ماه‌های پس از سقوط کابینه سیدضیاء و به‌نخست‌وزیری رسیدن قوام‌السلطنه دانست و توضیح داد: «با این اتفاق چالشی بزرگ در خراسان رخ داد. عده‌ای از پژوهشگران معتقدند کلنل پسیان نباید اقدام به تمرد (منظور سرپیچی از دستورهاست) می‌کرد و عده‌ای می‌گویند اقدام درستی انجام داد. اما مسئله اینجاست که او اصلاً تمرد نکرد، چون این امر در صورتی درست است که بدانیم حکم یا دستور ی به او داده شده و کلنل از انجام آن سر باز زده است. قوام پس از اینکه رئیس‌الوزرا شد، ابتدا نجدالسلطنه را به‌عنوان والی جدید راهی خراسان کرد و کلنل همچنان فرمانده ژاندارمری بود اما نجدالسلطنه نتوانست در خراسان بماند و استعفا داد و کلنل را جانشین خود کرد. پس از آن نیز مصمص‌السلطنه بختیاری نیز که پس از او اعزام شد، به‌همین‌منوال عمل کرد. شوکت‌الملک علم که خاندانش سال‌ها حکومت سیستان و جنوب خراسان را داشتند، همچنین سردار معزز بجنوردی که جایگاهی مشابه در شمال خراسان داشت، می‌گویند علیه پسیان از مرکز تلگراف دریافت کرده بودند. این متهم کردن به تمرد درواقع بی‌اخلاقی شخص قوام‌السلطنه بود که از کلنل کینه به دل داشت. به‌طور قانونی کلنل همچنان کفیل استناداری و فرمانده ژاندارمری بود و حکم لغو خدمت خود را دریافت نکرده بود. جانشینی نیز به جای او معرفی نشده بود. مقایسه سیاهه اموال رجالی که عزل می‌شدند در خصوص کلنل و قوام خود گویای تفاوت این دو است.»

- پاسخ به ابهامات درباره کلنل پسیان

نویسنده کتاب کلنل محمدتقی‌خان پسیان گفت: «در این کتاب تلاش شده است به همه ابهامات درباره شخصیت پسیان پاسخ داده شود. از جمله به ادعاهای آقای ملکراده (برادر ملک‌الشعراپهار) که مدعی بوده قصد کلنل تجزیه‌طلبی است. او مدعی تلگرافی از سوی کلنل پسیان به محمودخان نودری با مضمون آرزوی او برای به دوش کشیدن پرچم جمهوری خراسان است اما این تلگراف وجود ندارد. تنها دشمنان کلنل از وجود چنین تلگرافی صحبت می‌کنند؛ سندی که هیچ‌گاه آن را ارائه نکرده‌اند، بنابراین نمی‌توان چنین ادعایی را اثبات کرد. حقیقت این است که کلنل فرمانده‌ای شجاع و مدیری پاک‌دست و توانمند بود که خدمات بی‌نظیری به مشهد و خراسان کرد و باید قدردان آن باشیم. دکتر متولی حقیقی درباره محتوای کتاب جدید خود درباره این شخصیت بحرف و حدیث تاریخ معاصر در مشهد نیز گفت: «پس از اینکه در سال ۱۳۸۰، کتابچه از تبریز تا مشهد را درباره کلنل پسیان منتشر کردم، در سال‌های اخیر تقاضای چاپ مجدد آن شد، به همین دلیل تصمیم به تکمیل آن گرفتم و این کتاب ۲٫۵ برابر کتابچه پیشین است. بخش کتاب‌شناسی و برایش جدید مهم‌ترین قسمت کتاب است که به معرفی و نقد همه منابع مستقل است. این کتاب به همت انتشارات زوار به چاپ رسیده است و با همراهی مجموعه باغ نادری در این مکان به فروش می‌رسد.» مهدی ناصحی، رئیس شورای اسلامی شهر مشهد مقدس، نیز در این نشست ضمن تقدیر از بزرگداشت شخصیت‌های محبوب شهر گفت: «کلنل پسیان تنها یک سال در مشهد حضور داشت و با اینکه اهل این شهر نبود، به‌خاطر اقداماتش به چهره‌ای ماندگار در خاطره جمعی مشهدی‌ها تبدیل شد. ایستادگی و اقدامات شاخص او نشان می‌دهد انسانیت از همه چیز برتر است و همچنین یک مدیر چگونه می‌تواند در دوره کوتاه خدمت تأثیرگذار باشد.» ناگفته‌نماند که در پایان این مراسم حاضران با حضور بر سر مزار کلنل پسیان به این شهید راه حق ادای احترام کردند.»

شهر



شنبه ۸ شهریور ۱۳۹۹ ساعت ۲۲:۰۰

۱۵



تاریخ و هویت

۲

۳

۴



به بهانه مرور تصویری ۸۵ساله

روزگار خوش «نهر خیابان»

ترابی|نهر خیابان در تاریخ مشهد، نماد زیرساخت‌های آبی است؛ تلاشی که پیشینیان برای نجات شهر از بحران کم‌آبی به خرج داده‌اند. احداث این نهر، کار یک یا دو نفر نبود؛ در تاریخ آن می‌شود نام جمع زیادی از معارف شهر و امرا و فرمانروایان را دید؛ از امیرعلیشیرنوالی (که او را بانی نهر می‌دانند) بگیرد تا برسد به نادرشاه افشار و بعدها مرحوم امیرنظام نوری. نهر خیابان و آبی که در آن جریان داشت، باعث انبساط خاطر شهروندان می‌شد و به‌ویژه در عبوراز بالاخیابان، منظره‌ای بدیع را به وجود می‌آورد. در سال‌های پرآب، این منظره در غایت زیبایی و چشم‌نوازی بود. در تصویری که مشاهده می‌کنید، نمایی از چنین وضعیتی برای نهر خیابان پیش‌روی شمامست. عکس را مرحوم علی‌آبریا در سال ۱۳۱۸ خورشیدی (۸۵ سال پیش) گرفته است. البته هضاد عکاس در روز عکس برداری، از زوایای مختلفی تصویر تهیه کرده‌است؛ چون در آرشيو مرکز اسناد شهرداری مشهد عکس‌های مشابهی از مسیر بالاخیابان با نهر پرآب آن وجود دارد. مرحوم آبریا برای برداشتن عکس، پشت به حرم رضوی و رو به دروازه قوچان ایستاده است. باتوجه‌به وضعیت برگ درختان و پوشش معدود افراد حاضر در عکس، باید زمان عکس برداری را اواخر فصل پاییز بدانیم؛ ضمن اینکه باتوجه‌به جهت عکس برداری و سمت تابش نور، احتمالاً مرحوم آبریا اوایل صبح این عکس را گرفته است. خوب است بدانید که وضعیت نهر خیابان همیشه این قدر جذاب و پرچلوه نبوده است. قبل و بعد از برداشتن این تصویر روزهای ناخوشایندی بر این نماد زیرساخت‌های آبی مشهد گذشته است؛ مثلاً در دوره ناصرالدین شاه، کم‌آبی



نهر باعث شد درختان تناور اطراف آن خشک شوند یا در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، افت سطح آب باعث ایجاد لجن و توسعه بوی نامطبوع در خیابان مشهد شد؛ به‌همین دلیل، در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی و با توسعه آب لوله‌کشی و بهداشتی، روی نهر را پوشاندند و به‌عمر طولانی آن خاتمه دادند.